

سیره فردی و اجتماعی امام رضا^(ع) با تطبیق بر آیات قرآن

حسن مجیدی*

استادیار دانشگاه حکیم سبزواری، ایران

امیرعزیزی**

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه قم، ایران

راضیه رزم آرا***

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه حکیم سبزواری، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۴)

چکیده

امام رضا^(ع) یک شخصیت کامل انسانی است که تمام رفتارها و گفتارهای ایشان منطبق با آیات قرآنی است و به همراه پیامبر و ائمه^(ع) بهترین الگو برای ساخت زندگی اسلامی است. سیره‌شناسی به معنای سبک‌شناسی و رفتارشناسی است و در واقع، شناخت اصول، معیارها و روش‌هایی است که یک فرد در رفتار و کردار خود دارد. این نوشتار در پی تطبیق سیره فردی زندگی امام رضا^(ع) از قبیل خوش‌خلقی، عذرپذیری، ساده‌زیستی، کناره‌گیری از دنیا، حفظ زبان و نیز سیره اجتماعی ایشان، از قبیل ارزش نهادن بر نفس انسان، خانواده، صلۀ رحم، انفاق و بخشش، ارتباط و تعاون با محرومان جامعه، خوش‌رفتاری با کارگران، جود و سخاوت، گذشت و بردباری، پرهیز از اسراف، مشورت، عمران و آبادانی با آیات قرآن است. هدف اصلی از این تحقیق، «سیره فردی و اجتماعی امام رضا^(ع) با تطبیق بر آیات قرآن» و اهداف فرعی «بررسی فضائل و ویژگی‌های اخلاقی امام رضا^(ع)» و «شناخت رابطه بین ویژگی‌های اخلاقی امام رضا^(ع) با آیات قرآن» است. پرسش اصلی این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای درصدد پاسخگویی به آن است، اینکه کدام فضائل اخلاقی امام رضا^(ع) متأثر از آیات قرآن است و سیره فردی و اجتماعی امام رضا^(ع) که برخاسته از قرآن است، چگونه در جامعه امروزی می‌تواند تأثیر داشته باشد؟ در نتیجه، الگوی رفتاری و اخلاقی امام رضا^(ع)، در کنار ائمه^(ع)، قرآن نیز بوده است و می‌توان بسیاری از ویژگی‌های فردی و اجتماعی ایشان را در قرآن پیدا کرد.

واژگان کلیدی: امام رضا^(ع)، قرآن، سیره‌شناسی، سیره فردی، سیره اجتماعی.

* (نویسنده مسئول) majidi.dr@gmail.com

** az_na664@yahoo.com

*** razmara8794@gmail.com

مقدمه

آدمی دوستدار کمال و فضیلت‌های انسانی است و به افراد آراسته به فضایل و زیبایی‌های معنوی و حقیقی عشق می‌ورزد و می‌خواهد با الگو گرفتن از آنان، رفتارهای فردی و اجتماعی خویش را سامان دهد؛ زیرا آنچه که انسان‌ها را در مسیر پرورش و سیر الی‌الله، مدد می‌رساند و پیشرفت و ترقی او را میسر می‌سازد، پیروی آگاهانه از اسوه‌ها و الگوهاست. امام رضا^(ع) نیز یک شخصیت کامل انسانی است که تمام رفتارهایش منطبق با آیات قرآنی است. در این مقاله، ما به دنبال پاسخ این سؤال‌ها هستیم: کدام فضایل اخلاقی امام رضا^(ع) متأثر از آیات قرآن است؟ سیره فردی و اجتماعی امام رضا که برخاسته از قرآن است، چگونه در تغییر جامعه امروزی و بهره‌برداری این عصر و اعصار بعدی می‌تواند تأثیر داشته باشد؟ این نوشتار درصدد شناخت و معرفی سیره اخلاقی و سیاسی امام رضا^(ع) و اشاعه و ترویج فرهنگ منور رضوی و ارائه الگوی زندگی درست به دوران معاصر می‌باشد.

۱- روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای انجام شده است که بر مبنای موضوع انتخابی، از روش تحلیلی - تاریخی بهره جسته است و برای جمع‌آوری اطلاعات و ثبت داده‌های مربوط به سؤالات تحقیق از روش فیش‌برداری از منابع مختلف، مانند کتب روایی و تاریخی مربوط استفاده شده است.

۲- پیشینه پژوهش

در راستای این مقاله، پژوهش‌هایی هست که به ذکر چند نمونه می‌پردازیم: «سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا^(ع) از منظر قرآن کریم» نوشته شهرزاد و مریم کتابی، «قرآن در بینش امام رضا^(ع)» نوشته مهدی سلطانی رنانی، «قرآن کریم در احادیث امام رضا^(ع)»

نوشته علی سکندری، «سبک زندگی رضوی و ارتباطات میان فردی» نوشته مجید مبینی مقدس و «تأثیر تربیت اجتماعی امام رضا^(ع)» نوشته مولود اعظمیان و... .

۳- بررسی واژه «سیره»

«سیره»، اسم مصدر از «سیر» است که بر گذشتن، روان شدن و حرکت کردن دلالت می کند (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۲۰). راغب اصفهانی درباره این واژه می نویسد: «سیر، یعنی حرکت کردن روی زمین، در زمین راه رفتن و گذشتن و عبور نمودن» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۷۵). «سیره» بر وزن «فَعَلَه»، حالتی است که انسان دارد؛ یعنی نوع خاص حرکت و رفتار انسان (ر.ک؛ ابن مالک اندلسی، ۱۳۴۸، ج ۱۶: ۱۷۸). بنابراین، اهل لغت در توضیح معنای «سیره» گفته اند: «سیره؛ طریقه. همچنین، آن را سنت، مذهب، روش، رفتار، راه و رسم، سلوک و طریقه معنا کرده اند و از سیره فرد به صحیفه اعمال او و کیفیت سلوک او میان مردم تعبیر نموده اند» (زمخشری، ۱۹۷۹م: ۳۱۷). با توجه به معنای واژه لغوی «سیره» می توان گفت که «سیره شناسی» به معنای «رفتار شناسی» است و در واقع، شناخت اصول، معیارها و روش هایی است که یک فرد در رفتار و کردار خود دارد و سیره شناسی در حقیقت، سبک شناسی است.

زندگی هر انسانی از دو جنبه فردی و اجتماعی شکل می گیرد. هر انسانی در زندگی خود ساحتی دارد که تنها به شخص او مربوط می شود و ارتباطی با افراد دیگر ندارد. ساحتی دیگر در زندگی هر فرد هست که از آن به جنبه های اجتماعی زندگی تعبیر می شود و در این حوزه است که انسان با دیگران ارتباط پیدا می کند و جنبه های مدنیّت خود را به نمایش می گذارد.

۴- سیره فردی امام رضا^(ع)

اینک نمونه هایی از سیره فردی امام رضا^(ع) را در ادامه بیان می کنیم.

۴-۱) خوش خلقی

در احادیث رسیده از اهل بیت^(ع) به وفور درباره حسن خلق و خوشخویی سخن به میان آمده است و خوشرویی مایه نجات آدمی و سعادت در دنیا و آخرت معرفی شده است. امام رضا^(ع) می‌فرماید: «محبت به مردم و اظهار دوستی به آنان نیمی از عقل است» (ابن شعبه: ۵۲۰ و مجلسی، ج ۷۸: ۳۳۵).

امام رضا^(ع) در این زمینه به نقل از پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «بداخلاقی عمل را تباه می‌کند، چنان که سرکه غسل را تباه می‌کند» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۸). در باب پاداش الهی برای شخص خوش اخلاق و نیکخو نیز می‌فرماید: «در ترازوی عمل چیزی سنگین‌تر از خلق نیکو نیست» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۷). درباره سیره اخلاقی امام رضا^(ع) نقل شده که آن حضرت فردی خوشرو و خوش برخورد بود، با هر مسلمانی به سادگی رابطه برقرار می‌کرد و راه دوستی را با او باز می‌نمود و همگان با آن حضرت خیلی زودی انس می‌گرفتند و می‌توانستند به خانه وی رفت و آمد نمایند، در کنارشان بنشینند و هم‌سخن شوند. از این نظر، سخنان و خطابات آن بزرگوار به مردم، دوستان و شیعیان و یا حتی غلامان و خدمتکارانش احترام‌آمیز بود (ر.ک؛ ابن شعبه، ۱۴۰۴ق: ۵۲۰ و مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۷۸: ۳۳۵). آن حضرت، مصداق این آیه شریفه از قرآن کریم هستند که در باب رسول اکرم^(ص) نازل شده است و در این آیه آمده است: «ای رسول رحمت! خدا تو را با خلق، مهربان و خوشخوی گردانید و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، مردم از گرد تو متفرق می‌شدند» (آل عمران/ ۱۵۹). از ابراهیم بن عباس نقل شده است: «امام رضا^(ع) از مردم روی برنمی‌گرداندند و همواره با خلق خوش و نیکو از آنان استقبال می‌کردند. این عمل حضرت همچون آهن‌ربایی پر قدرت مردم را به سوی خویش جذب می‌نمود» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق: ۶۱۶).

ابراهیم بن عباس می‌گوید: «هرگز ندیدم، امام رضا^(ع) با زبانش کسی را بیازارد و یا سخن کسی را قطع کند تا هنگامی که او از سخن گفتن فارغ شود... و هرگز ندیدم که هنگام خندیدن قهقهه بزند» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۸۴). این صفت اخلاقی در

قرآن نیز سفارش شده است، آنجا که خداوند متعال خطاب به حضرت موسی^(ع) می‌فرماید: «با او (فرعون) به نرمی سخن بگویند، شاید متذکر شود و از خدا بترسد» (طه/ ۴۴). همچنین، قرآن در باب رعایت حقوق مجالست و آداب معاشرت فرموده است: «ای اهل ایمان! هرگاه گفته شود در مجالس جای باز کنید، پس جای باز کنید» (المجادله/ ۱۱). امام رضا^(ع) می‌فرماید: «هر که به روی برادر مؤمن خود لبخند بزند، خداوند برایش ثوابی خواهد نوشت» (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۳: ۲۱۶).

۲-۴) عفو و گذشت

در قرآن موارد متعددی از این صفت مشاهده می‌شود: «... باید عفو کنید و لغزش‌های دیگران را نادیده بگیرید. آیا دوست ندارید خداوند شما را ببخشد» (النور/ ۲۲). امام رضا^(ع) ذیل آیه فوق فرموده‌اند: «الْعَفْوُ مِنْ غَيْرِ عِتَابٍ: مقصود از صفح، عفو کردن بدون سرزنش است» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۱۲۸). بهترین نمونه عملی عفو و بخشش حضرت، مربوط به شخصی است که بر امام رضا^(ع) وارد شد و به حضرت اعتراض کرد که چرا با وجود اینکه مأمون را می‌شناسی، اما ولایت‌عهدی وی را قبول نموده‌ای؟! حضرت به وی فرمودند: دشنه‌ای را که زیر پیراهنت داری، بیرون آور و به سخنان من گوش فرا ده! سپس حضرت دلایل خود را از ولایت‌عهدی برای او و دیگران شرح دادند، به گونه‌ای که فرد از عمل خویش شرم‌منده شد و از امام^(ع) خواست تا وی را ببخشد. حضرت با رویی گشاده عذر وی را پذیرفتند و بدین ترتیب، عفو، گذشت، چشم‌پوشی امام رضا^(ع) نسبت به آن مرد، سبب شد که وی و تعدادی از خاندانش مسلمان شوند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۶۸: ۴۲۱).

۳-۴) ساده‌زیستی و قناعت

قناعت یکی از فضایل ارزشمند اخلاقی است که مانع حرص‌ورزی و زیاده‌خواهی است و یکی از اصول ارزشی اخلاق اقتصادی در اسلام به حساب می‌آید و یکی از راه‌های توسعه اقتصادی و پیشرفت همه‌جانبه جامعه است. با اینکه امام رضا^(ع) ولی‌عهد

خلیفه وقت بودند، اما روایات منقوله، حکایت از ساده بودن زندگی آن حضرت دارد و این نشان می‌دهد که موقعیت سیاسی ایشان تأثیری در زندگانی ایشان نداشته است. ابوعباد نقل می‌کند: «امام رضا^(ع) بر حصیر می‌نشستند و لباس درشت و خشن می‌پوشیدند. در عین حال، چون به میان مردم می‌آمدند، لباس مناسب بر تن داشتند» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۱۷).

بهترین الگوی ساده‌زیستی در قرآن چنین آمده است: «بدانید که زندگی دنیا در حقیقت، بازی، سرگرمی، آرایش، فخرفروشی به یکدیگر و فزون‌خواهی در اموال و فرزندان است. [مثل آنها] مثل بارانی است که رُستنی آن [باران] کشاورزان را به شگفتی آورد. سپس خشک شود و آن را زرد بینی. آنگاه خاشاک شود و در آخرت [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و مؤمنان را از جانب خدا آمرزش و بخشودگی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست» (الحدید / ۲۰). همچنین، می‌فرماید: «و به آنچه ما دسته‌هایی از آنان [کافران] را بدان برخوردار ساخته‌ایم، چشم مدوز و بر ایشان اندوه مخور و مال خویش را برای مؤمنان فروگستر» (الحجر / ۸۸). لیکن این بدان معنی نیست که مؤمنان از نعمت‌های دنیا بهره‌مند نشوند و رهبانیت در پیش گیرند.

۴-۴) کناره‌گیری از دنیا

کناره‌گیری از دنیا و بی‌رغبتی نسبت به آن که در فرهنگ اسلامی از آن به «زهد» تعبیر می‌شود، عبارت است از کوتاه کردن آرزوها و خالص کردن کردارها و آنگاه که انسان به دنیا پشت می‌کند و از رأس‌های خطاها می‌گذرد، به قوت‌هایی دست می‌یابد که جز با زهد فراهم نمی‌شود و زمانی که انسان، حلقه میان خود و شیطان (دنیا) را حذف می‌کند، حجاب‌ها برداشته می‌شود و به معرفت‌ها و توانمندی‌هایی می‌رسد.

امام علی^(ع) می‌فرمایند: «زهد در دو جمله از قرآن خلاصه شده است. خداوند می‌فرماید: برای آنچه از شما فوت شده است، تأسف نخورید و برای آنچه به شما داده می‌شود، شاد نگردید (آل عمران / ۱۵۳) و هر کس بر گذشته اندوه نخورد و بر آینده شاد نشود، بر هر دو جانب زهد دست یافته است» (شهیدی، ۱۳۷۰: ۴۴۰). همسر امام رضا^(ع) از

زندگی داخلی ایشان اینگونه تعریف می کنند: «سادگی طبع، عبادت دور از ریا و زندگی به دور از تجملات متداول آن زمان، زندگی امام را تشکیل می داد» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۱۶).

۴-۵) حفظ زبان

از ابراهیم بن عباس صولی نقل شده است که گفت: «هیچ کس را فاضل تر از ابوالحسن رضا نه دیده و نه شنیده ام. از او چیزهایی دیده ام که از هیچ کس ندیدم. هرگز ندیدم با سخن گفتن به کسی جفا کند. ندیدم کلام کسی را قطع کند تا خود آن شخص از گفتن فارغ شود. ندیدم به یکی از دوستان یا خادمانش دشنام دهد» (همان، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۳۶). امام رضا^(ع) در ارزش سکوت فرموده اند: «سکوت دری از درهای حکمت است» (کلینی رازی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۱۳). سکوت فواید بسیاری دارد که از بعضی زشتی های زبان اجتناب می کند. این زشتی ها در قرآن آمده است که نجوا خصلت زشت منافقان و یهود بود و خداوند در آیه زیر اهل ایمان را از چنین خصلتی نهی و برحذر فرموده تا در این کار آلوده به گناهان منافقان و یهود نشوند، می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که نجوا می کنید، به گناه و تعدی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا نکنید و به کار نیک و تقوا نجوا کنید و از (مخالفت فرمان) خدایی که همگی نزد او جمع می شوید، پرهیزید» (المجادله / ۹).

یکی دیگر از آفات زبان، استفاده از القاب زشت و تحقیرآمیز درباره بندگان خداست. قرآن مجید با صراحت تمام از این آفات زبانی نهی کرده است و می فرماید: «با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید. بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان، نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند» (الحجرات / ۱۱).

بر اساس آیات و روایات تربیتی اسلام، زیربنای سعادت و عزت انسان، کنترل زبان و کم گویی است: «مؤمنان کسانی هستند که از لغو و بیهودگی روی گردانند» (المؤمنون / ۳).

۵- سیره اجتماعی امام رضا^(ع)

امام رضا^(ع) به اخلاق عالی و ممتازی آراسته بود و بدین سبب، دوستی عام و خاص را به سوی خود جلب می فرمود (ر.ک؛ فضل الله، ۱۳۶۶: ۴۲). اما مهم اینجاست که سلوک جمعی و رفتار اجتماعی امام رضا^(ع) در باب افراد، طیف‌ها و گروه‌های مختلف، منشاء قرآنی دارد؛ چراکه قرآن، قانون زندگی است و زندگی امام^(ع) در رابطه و تعامل با جامعه، عیناً در چارچوب همین قانون است.

۲-۵ ارزش نهادن بر نفس انسان

خداوند انسان را ذاتاً صاحب عزت، شرافت و کرامت آفریده است و تنها چیزی که باعث فضیلت و برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر می شود، مجاهدت نفس و تقوای الهی است. هنگامی که مردی خطاب به امام رضا^(ع) می گوید: «به خدا قسم تو بهترین مردمانی!»، امام در پاسخ می فرماید: «فلانی! قسم نخور! بهتر از من کسی است که در برابر خداوند باتقواتر و مطیع تر باشد. به خدا سوگند، این آیه قرآن نسخ نشده که فرمود: ما شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست (الحجرات / ۱۳)» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۱۱۵). یکی از همراهان امام^(ع) در سفر خراسان نقل می کند که حضرت سفره‌ای را برای خودشان پهن کردند و غلامان خود را هم بر سر سفره نشانند. گفتم: فدایت شوم! چرا آنها را جدا نمی کنی؟! فرمودند: «خداوند یکی و مادر و پدر یکی و مکافات با اعمال هر کسی است» (کلینی، ۱۴۲۹ق.، ج ۱۵: ۵۲۵). نادر، یکی دیگر از خادمان امام^(ع) نقل می کند: «هرگاه یکی از ما مشغول صرف غذا بود، امام رضا^(ع) او را به کاری نمی فرستادند و به کار نمی گرفتند تا از غذا خوردن فارغ شود» (مجلسی، ۱۴۰۴ق.، ج ۴۹: ۱۰۲). حضرت در باب احترام به غیرمسلمانان نیز عنایت خاصی داشتند. ریان بن شیبب نقل می کند: «از امام پرسیدم، خواهرم برای گروهی از مسیحیان وصیت کرده است و من می خواهم این مال را به گروهی از مسلمانان و هم کیشان خود بدهم. امام فرمودند: وصیت را بدین سان که هست

اجرا کن. خداوند تبارک و تعالی فرموده: گناه آن بر کسانی است که در آن (وصیت) تغییر بدهند (البقره / ۱۸۱)» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹: ۲۰۳).

در قرآن نیز انسان با توجه به تقوا و فضیلت، فارغ از رنگ، جنس، نژاد و دیگر مسائل تبعیض، مورد تأیید و تأکید است. در اینجا تنها به این آیه اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: «ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنها روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کردیم، برتری بخشیدیم» (الإسراء / ۷۰).

۳-۵ امام رضا^(ع) و خانواده

حضرت رضا^(ع) به برنامه‌ریزی و تدبیر در معیشت و تعیین برنامه توجه کامل داشتند. ایشان بخشی از اوقات روزانه خود را به امور مرتبط با معاش و گذران زندگی شخصی و بخشی دیگر را برای استفاده از لذات مشروع اختصاص می‌دادند، همانگونه که بخشی از وقت خود را صرف عبادت و بخشی دیگر را صرف امور اجتماعی و سیاسی می‌کردند. امامان ما توجه خاصی به تربیت فرزند و خانواده خویش داشتند و برای خود در برابر آنها مسئولیت خاصی قائل بودند: «کسی که برای امرار معاش خانواده‌اش کار می‌کند، اجر او بیش از کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق: ۴۴۶).

اسلام هم بر تشکیل نهاد مقدس خانواده، هم بر تحکیم آن، تأکید فراوان و فوق‌العاده‌ای داشته است و در این راستا نیز تلاش نموده است و خانواده‌ای که در مسیر صحیح تربیت اسلامی و در چارچوب برنامه‌های ارائه شده از سوی بزرگان دین باشد، می‌تواند سهم بسیاری در پیشرفت و ترقی جامعه خویش داشته باشد (ر.ک؛ بیگی، ۱۳۸۹: ۳۶۹).

۵-۴) صله رحم

«رحم» به معنای خویشاوندی است و خویشاوندی بر دو گونه است، خویشاوندی نسبی و خویشاوندی سببی از نظر عرف و لغت «رحم» شامل همه خویشاوندان. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که درباره صله رحم بحث می کند و به عنوان شاهد، آیات ۲۲ و ۲۳ سوره محمد^(ص) است که می فرماید: «اگر رویگردان شوید، آیا جز این انتظار می رود که در زمین فساد کنید و قطع رحم کنید! ایشان کسانی هستند که خداوند آنان را لعنت کرده است». قرآن کریم صله رحم را یکی از نشانه های ایمان معرفی نموده است و می فرماید: «از صاحبان اندیشه و ایمان کسانی هستند که با آنان که خداوند او فرموده، ارتباط برقرار می کنند، صله رحم می کنند و از خدای خود خشیت دارند و از بدی حساب می ترسند» (الرعد / ۲۱).

امام رضا^(ع) در باب رفتار نیکو و پسندیده با عیال و خویشاوندان تأکید زیادی کرده اند و مکرر پیروانش را به انجام صله ارحام فرامی خواندند و برای آنان از قرآن کریم استشهاد می کردند: «با ارحامت، هر چند با دادن جرعه ای آب خوبی کن و بهترین نیکویی آن است که آنان را نیازاری و خداوند در قرآن می فرماید: صدقه های خود را با منت و آزار باطل نکنید» (البقره / ۲۶۴). بی شک مهم ترین مصداق صله ارحام، نیکی به والدین است. در قرآن، خداوند حقوق فراوانی برای والدین بیان فرموده است تا آنجا که احسان و نیکی به پدر و مادر را کنار بندگی خود مطرح فرموده است (ر.ک؛ بیگی، ۱۳۸۹: ۳۵۹). برای نمونه و شاهد این مسئله می توان به این آیه اشاره کرد: «و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید» (الإسراء / ۲۴). از جمله دستورهای دینی، اطاعت از والدین است. تنها در مواردی که خدای ناکرده پدر و مادر از فرزندشان بخواهند که از مسایل دینی و اعتقادی دست بردارد و به خداوند متعال شرک ورزد و یا فرزندان را وادار به انجام معصیتی کنند، فرزندان باید با والدین خود مخالفت کنند که البته اظهار مخالفت فرزندان نسبت به دستور والدین باید همراه با خوشرویی و حفظ احترام آنان باشد (ر.ک؛ بیگی، ۱۳۸۹: ۴۰۵). به عنوان شاهد مطلب، می توان به این آیه اشاره کرد: «و حق نزدیکانت را بپرداز» (الإسراء / ۲۶).

۵-۵) انفاق و بخشش

اسلام برای جلوگیری از تراکم ثروت و ریشه کن کردن فقر، قانون صدقات را گزارده است. قرآن مجید در موارد بسیاری از زکات نام برده است و به قدری به پرداختن آن اهمیت داده که غالباً آن را در کنار بزرگترین فریضه دینی (نماز) یاد کرده است. از جمله اصول و ارزش‌هایی که از منظر قرآن و اسلام، به متن زندگی اجتماعی اقتصادی مربوط می‌شود، «انفاق» است که نقش مهمی در دوام جامعه دارد. انفاق و بخشش امام رضا^(ع) بر مبنای فضل و کرمی است که خداوند درباره ایشان ارزانی داشته است. دستگیری از بینوایان و تهیدستان زمان، حقوقی است که خداوند آن را واجب نموده است و امام^(ع) بر آن تأکید نموده‌اند. انفاق امام رضا^(ع) شامل محرومان و غیرمحرومان می‌شد.

اسحاق نوبختی روایت می‌کند که امام رضا^(ع) در روز عرفه، تمام مال خود را به فقرا انفاق کردند و هنگامی که فضل بن سهل این اقدام امام^(ع) را ضرر و زیان برشمرد، امام فرمودند: «این سود و فایده است و چیزی را که به آن اجر و پاداش تعلق می‌گیرد، ضرر و زیان مشمار» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۶۱). امام رضا^(ع) در نامه‌ای به فرزندشان، امام جواد^(ع)، نوشتند: «ای فرزند...! به من خبر رسیده هنگامی که بر مرکب سوار می‌شوی، غلامان تو را از درِ کوچک بیرون می‌برند و این از بخل آنهاست تا خیری از تو به کسی نرسد. به حقی که بر گردن تو دارم و از تو می‌خواهم که ورود و خروج تو، جز از درِ بزرگ نباشد و زمانی که سوار می‌شوی، درهم و دینار بردار و یا بر هر کسی بخششی از تو بخواهد، به او بدهی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۳).

بر اساس روایاتی که موجود است، انفاق و بخشش امام^(ع)، عمدتاً مخفیانه و شبانه صورت می‌گرفت. آیات فراوانی نیز وجود دارد که در برخی از آنها انفاق کنندگان تمجید و ستایش شده‌اند؛ برای نمونه می‌توان به آیات زیر اشاره کرد: «کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و آنگاه به دنبال انفاق خود منت نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند، پاداش آنها نزد پروردگارشان محفوظ است» (البقره / ۲۶۲).

۶۵) ارتباط و تعاون با محرومان جامعه

امام رضا^(ع) همنشین قشر محروم و تهیدست جامعه بودند و همانند آنان می زیستند. از هر نوع تجمل و اشرافی گرایی، دوری می گزیدند و با وجود اینکه به ولایت عهدی رسیده بودند، برخلاف روش های معمول و مرسوم در دستگاه خلافت، به شیوه پدران خویش می زیستند. نقل شده است که امام رضا^(ع) در مسیر حرکت خود از مدینه به سوی مرو، محلّ استراحت و توقف خویش را در منطقه های فقیرنشین قرار می دادند و یا حتی به خانه فقرا می رفتند و در آنجا اقامت می گزیدند (ر.ک؛ ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۳۳). آن حضرت درباره تعاون و همکاری با محرومان فرموده اند: «خداوند توانمندان را مکلف ساخته تا برای اداره امور بیماران زمینگیر و دیگر مبتلایان قیام کنند» (همان، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۸).

آن حضرت می فرمایند: «زمانی که در مدینه بودم و در کوچه ها رفت و آمد می کردم، به مردم مدینه و دیگران که درخواست کمک می کردند، کمک می کردم» (بحرانی، ۱۴۱۱ق: ۴۷۵). محروم نوازی امام رضا^(ع) از تعالیم قرآن کریم سرچشمه گرفته است. در قرآن، بر رسیدگی و همیاری به محرومان بسیار تأکید شده است و اهمیت آن تا حدی است که پروردگار متعال کسانی را که به محرومان کمک و یاری نرسانند، توبیخ می کند: «وای بر کسانی که دیگران را از وسایل ضروری زندگی دریغ می کنند» (الماعون/ ۷). قانون اسلامی در دفاع از محرومان جامعه، درست مخالف قانونی است که در عصر جاهلیت عرب و یا حتی در جاهلیت معاصر رواج داشته و دارد؛ چنان که در عصر جاهلیت گفته می شد: «برادرت را حمایت کن؛ خواه ظالم باشد، خواه مظلوم. پرسیدند در حال مظلومیت یاریش می کنم، ولی در ظالم بودنش چگونه او را یاری کنم؟! فرمودند: او را از ظلم کردن بازدار و منع کن» (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۶۶).

اسلام بر این قوانین جاهلی خط بطلان کشیده است و دستور داده تعاون و همکاری مسلمین باید تنها در کارهای نیک و برنامه های مفید و سازنده باشد، نه در گناه و تعدی:

«در راه نیکی و پرهیزکاری با هم همکاری کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید و از خدا پرهیزید که مجازات آن شدید است» (المائده/ ۲).

۷-۵) خوش رفتاری با کارگران

کارگران از جمله زحمتکش‌ترین قشرهای جامعه هستند، اما اغلب در محرومیت و سختی به سر می‌برند و ستم‌های زیادی به آنها روا داشته، لذا همواره از حقوق خود محروم می‌شدند و از رفاه زندگی به دور مانده‌اند. رهبران الهی تنها حامیان این قشرهای زحمتکش، رنجیده و ستم کشیده بودند و برای بازپس گرفتن حقوق آنان از ستمگران تلاش‌های زیادی کردند و خود روش پسندیده‌ای از تعامل و رفتار با آنان در پیش گرفته‌اند. یاسر، خادم امام، می‌گوید: «روزی که امام^(ع) مسموم شدند و در همان روز نیز درگذشتند، پس از آنکه نماز ظهر را خواندند، به من گفتند: ای یاسر! اهل خانه، کارکنان و خدمت‌گزاران غذا خورده‌اند؟ گفتم: آقای من! چه کسی می‌تواند غذا بخورد، در حالی که شما در چنین حالی هستید؟ در این هنگام، راست نشستند و فرمودند: «سفره را بیاورید و آنگاه تمام اهل خانه، کارگران، خدمت‌گزاران غذا خوردند و کسی را فروگذار نکرد و یکایک را مورد محبت و مهر خویش قرار داد» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۴۱).

درباره تعیین مزد و اجرت کارگران، یکی از غلامان حضرت نقل می‌کند: «روزی مشغول کار بودیم و غریبه‌ای به ما کمک می‌کرد. امام پرسیدند: او کیست؟ گفتم: او به ما کمک می‌کند و به او چیزی خواهیم داد. امام فرمودند: آیا مزدش را تعیین کرده‌اید؟ گفتیم: خیر! امام خشمگین شدند و به همراهانشان فرمودند: من بارها به اینها گفته‌ام که هیچ کس را برای کاری نیاورید، مگر آنکه قبلاً مزدش را تعیین کرده، قرارداد بسته باشید» (مجلسی، ۱۳۸۰، ج ۴۹: ۹۷).

کیفیت تعامل با کارگران و حقوق ثابت آنان در روابط میان انسان‌ها در قرآن چنین است: «هر کس از مرد و زن، کار نیکی به شرط ایمان به خدا انجام دهد، ما او را در

زندگانی خوش و باسعادت می گردانیم و اجری بسیار بهتر از عملی که انجام داده، به او عطا می کنیم» (النحل / ۹۷).

ز) میهمان‌نوازی

میهمان‌نوازی از خصایص بسیار برجسته در سیره و رفتار امام رضا^(ع) است. ابن عبیدالله بغدادی نقل می کند که «شبی» بر امام رضا^(ع) میهمانی وارد شد و حضرت با وی به گفتگو نشست بود که ناگهان چراغ خراب و خاموش شد. آن شخص دست خویش را برای درست کردن چراغ دراز کرد. حضرت شخص را از این کار ممانعت کردند و خودشان به درست کردن چراغ پرداختند و فرمودند: «ما قومی هستیم که از میهمان خود کار نمی کشیم» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۹: ۱۰۲). ابن هاشم الجعفری نقل می کند که میهمان امام رضا^(ع) بودم. شدیداً تشنه شدم و خجالت کشیدم که برای رفع تشنگی آبی طلب کنم. امام آبی طلبیدند و جرعه ای نوشیدند، پس فرمودند: ای ابوهاشم! بنوش که آب خنک و گوارایی است. من نیز نوشیدم و آنگاه دوباره تشنه شدم. امام^(ع) به خادم خود نگاه کردند و دستور دادند که مقداری شکر را با آب مخلوط کنند و به من بدهند و آنگاه فرمودند: «ای ابوهاشم! بنوش که این شربت، عطش را از بین می برد» (همان: ۴۷). همچنین، روایتی از خود حضرت نقل شده که فرمودند: «از حقوق میهمان آن است که او را تا حریم (درب) منزلت مشایعت کنی» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۲۲۶). گرامی داشتن میهمان در واقع، تکریم انسانیت و محبت به همنوعان است. در قرآن کریم، میهمان‌نوازی تمجید شده است، آنجا که در داستان حضرت لوط^(ع)، ایشان خطاب به کسانی که قصد تعرض به فرستادگان خداوند را داشتند، فرمودند: «گفت: این‌ها میهمانان من هستند. آبروی مرا نریزید» (الحجر / ۶۸).

ح) جود و سخاوت امام رضا^(ع)

آنچه حضرت امام رضا^(ع) از متاع دنیا به دست می آورد، چه از کشتزار و مزرعه و چه وجوهی که مردم و شیعیان برای امام می آوردند و چه مبالغی که از طرف خلفا می رسید،

در بین سادات حسنی، حسینی، علوی، نیازمندان و در راه‌ماندگان تقسیم می‌کردند. روزی یک نفر به خدمت امام^(ع) رسید و از ایشان تقاضای مقداری پول کرد و گفت که پس از بازگشت به وطن، قرض امام را صدقه می‌دهد. در روایت آمده است که امام به آن فرد گفت: به خانه ات برو و همان جا صدقه بده. امام^(ع) مقدار پول مورد نیاز آن فرد را طوری داد که آن فرد روی امام را ندید. وقتی که از امام^(ع) علت را پرسیدند، فرمودند: برای آنکه او شرمند نشود و از این قبیل امور بسیار اتفاق افتاده است (ر.ک؛ سیاح، ۱۳۸۶: ۱۰۲۶). هرچند دو واژه «جود» و «سخاوت» در آیات قرآن کریم به کار نرفته، اما منطبق بر مفاهیم قرآنی بوده، قرآن نیز برای آن ارج و منزلت فراوانی قایل شده است. بخشش اموال در راه خدا، ایثار اموال و جان‌ها و بخشش آنچه خود به آن نیازمندیم و یا آن را دوست داریم...، از جمله تعبیرات قرآن برای توصیف سخاوت است: «و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به مسکین، یتیم و اسیر می‌دهند!» * (و می‌گویند): ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم! (الإنسان/ ۹۸).

ط) گذشت و بردباری

بردباری و سعه صدر آن حضرت در دوره خلافت مأمون و در برابر سیاست مزدورانه او، به ویژه پس از تفویض ولایت عهدی، درجه بالای صبر و تحمل آن حضرت را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه امام^(ع) به خوبی می‌دانستند که مأمون در کردار و رفتار خویش با او صادق نیست و آنچه درباره ایشان روا می‌دارد، یک نمایش سیاسی بیش نیست، ولی در برابر فریبکاری او با صبر و حوصله، تدبیر امور را در دست می‌گرفتند. امام رضا^(ع) در زندگی روزمره نیز بسیار باگذشت و متواضع بودند (ر.ک؛ جزائری، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۳۵۶).

روایت شده که مردی را به نزد مأمون آوردند که می‌خواست او را اعدام کند و حضرت رضا^(ع) در مجلس مأمون تشریف داشتند. مأمون گفت: یا ابالحسن! یابن رسول‌الله! چه می‌فرمایید (در حق این شخص مجرم)؟! حضرت فرمودند: به درستی که

خداوند تبارک و تعالی به سبب گذشت تو بر عزت تو بیفزاید. سپس مأمون بنا بر توصیه امام^(ع)، آن شخص را بخشید (ر.ک؛ رسولزاده، ۱۳۴۷: ۲۲۱).

قرآن در آیات متعددی، مخاطبان خود را به صبر و شکیبایی فراخوانده است؛ به عنوان نمونه دو مورد را ذکر می‌کنیم: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از صبر و نماز کمک بگیرید؛ زیرا خداوند با صابران است» (البقره/ ۱۵۳)؛ «و کسانی که خشم خود را فرومی‌برند و از گناه مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد» (آل عمران/ ۱۴۳).

ی) پرهیز از اسراف

یکی از خادمان حضرت نقل می‌کند که روزی غلامان میوه خورده بودند، ولی بدون آنکه آن را کامل بخورند، دور انداخته بودند. هنگامی که حضرت متوجه شدند، فرمودند: «سبحان الله! اگر شما از آن بی‌نیازید، کسانی هستند که به آن محتاج هستند. آن را به کسی بدهید که نیازمند آن است» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۴۱). محمدبن یحیی صولی یکی از خدمت‌گزاران مأمون نقل می‌کند: «ما را به خانه مأمون آوردند. در آنجا، در بهشتی از خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها، عطرها و پول فراوان به سر می‌بردیم تا اینکه مأمون مرا به خانه امام رضا^(ع) فرستاد. چون به خانه امام درآمدم، تمام آن نعمت‌ها از دست رفت» (نوری، ۱۴۰۸ق.، ج ۶: ۴۴۱).

قرآن کریم نیز به مسئله اسراف توجه خاصی نموده است و مردم را از اسراف و تبذیر برحذر داشته است: «بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید. خداوند مسرفان را دوست ندارد» (الأعراف / ۳۱)؛ «هرگز اسراف و تبذیر نکن؛ چرا که تبذیرکنندگان برادران شیطان هستند» (الإسراء/ ۲۶-۲۷).

ک) برخورد با بستگان فاسد

زمانی که انسان‌ها، در چارچوب اصول و تعالیم اسلامی به قوانین آن عمل کنند، از دیدگاه قرآن کریم و ائمه^(ع)، صاحب کرامت می‌گردند و مؤمنان نیز برادران هم

می شوند، ولی چنانچه افرادی خارج از این چارچوب عمل نمودند و در برابر دستورهای خداوند تحدی کنند، دیگر با مؤمنان برادر و برابر نیستند، هرچند از نژاد و خون آنها باشند. در برخوردی که امام رضا^(ع) با برادرشان انجام دادند، این واقعیت به خوبی نمایان می شود. یاسر، خادم امام رضا^(ع)، نقل می کند: زید بن موسی، برادر امام^(ع)، در مدینه قیام کرد و دست به کشتار و آتش سوزی در خانه های بنی عباس زد. مأموران بنی عباس او را دستگیر کردند و نزد مأمون آوردند. مأمون دستور داد او را نزد علی بن موسی الرضا^(ع) ببرند. چون او را نزد امام آوردند، حضرت به او فرمودند: «ای زید! آیا سخن گذشتگان کوفه مغرورت کرده که گفته اند: فاطمه^(س) چون عفاف ورزید، خداوند ذریه او را بر آتش حرام کرد؟ این سخن فقط درباره حسن و حسین^(ع) است. زید گفت: من برادرت و پسر پدرت هستم! حضرت فرمودند: تو وقتی برادر من هستی که اطاعت خداوند را انجام دهی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳: ۲۳۲). آنگاه در ادامه روایت، حضرت از قرآن دلیل می آورند و داستان پسر نوح را به عنوان شاهد ذکر می کنند. حضرت نوح^(ع) زمانی که به خداوند گفتند: پسر ناهلم از خانواده من است، خداوند متعال فرمود: «فرزند تو از خانواده تو نیست و عملی ناشایست انجام داده است» (هود/ ۴۶).

ل) مشورت کردن

حضرت رضا^(ع) با آنکه با عالم غیب و شهود در ارتباط بودند، اما در کارهای روزمره زندگی نیز هنگام تصمیم گیری، سعی می کردند نظر دیگران را هم بدانند. از این رو، چه در محیط خانه و چه خارج از خانه، با اصحاب و صاحب نظران مشورت می نمودند. حسن بن جهم نقل می کند: «با گروهی خدمت امام رضا^(ع) بودیم. ایشان یادی از پدر بزرگوارشان نمودند و فرمودند: هرچند عقل او بر همه مردم برتری داشت و هیچ عقلی با وی برابری نمی کرد، با این حال، در بسیاری از مواقع با یکی از غلامان سیاه پوست خود مشورت می کردند و بسیاری از اوقات، آن غلامان درباره مزرعه یا باغ، حضرت را راهنمایی می کردند و ایشان نیز به پیشنهاد آنان عمل می نمودند» (حرّ عاملی، ۱۳۸۰: ۴۶). در قرآن، خداوند خطاب به پیامبر^(ص) می فرماید: «و در کارها با آنها مشورت کن، اما

هنگامی که تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن» (آل عمران / ۱۵۹). همچنین، به سبب ارج و منزلت امر مشورت، یک سوره در قرآن کریم به «شوری» نام گرفته است و در آیه‌ای از این سوره خداوند مردمی را که در امور و کارهای مهم زندگیشان مشورت می‌کنند، تمجید نموده است: «و کسانی که در کارهایشان مشورت می‌کنند» (شوری / ۳۸). علامه طباطبائی در تفسیر این آیه آورده است: «مؤمنان اهل رأی هستند و در استخراج رأی صحیح، دقت عمل دارند و به این منظور، به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۹۳).

م) عمران و آبادانی

امام^(ع) در اموری که نفع آن به عموم مردم می‌رسید نیز اهتمام زیادی داشتند. روایت شده هنگامی که حضرت در نیشابور وارد خانه پیرزنی به نام «پسنده» شدند، دانه بادامی را در گوشه حیاط خانه او کاشتند و آن دانه روید و تبدیل به درختی شد و در یک سال بار داد. همچنین، نقل می‌کنند: «هنگامی که امام رضا^(ع) وارد نیشابور شدند، در محله‌ای حمامی ساختند که تا سال ۷۲ هجری قمری وجود داشته و مشهور به حمام امام رضا^(ع) بوده است. در آنجا چشمه‌ای بود که آب آن خشک شده بود. حضرت دستور دادند چاه را بار دیگر باز کردند تا اینکه آب از آن بیرون آمد» (امین و کرمانی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۵۹).

در قرآن کریم نیز عمران و آبادانی مورد توجه قرار گرفته است، آنجا که خداوند یکی از دلایل خلقت انسان را برای آبادانی می‌داند: «او خدایی است که شما را از خاک آفرید و برای آبادانی و عمارت زمین برگماشت» (هود / ۶۱). علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «عمارت عبارت از این است که زمین را به حالتی درآوردند که برای بهره‌برداری از منافی که از آن انتظار می‌رود، شایستگی پیدا کند؛ مانند آماده کردن خانه برای سکنی گزیدن، مسجد برای عبادت، کشت برای درو و باغ برای چیدن و گردش اینها به عنوان مصداقی از مفهوم عمارت می‌باشد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۴۶۲).

نتیجه‌گیری

سبک زندگی امام رضا^(ع) برخاسته از متن کتاب الهی، سنت رسول‌الله و در امتداد آن، سیره و سخنان ائمه هدی و تجسم عینی تربیت ربوبی و مطابق با آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم است. در حوزه سیره فردی، می‌توان به خوش خلقی، عذرپذیری، ساده‌زیستی را که در زندگی آن امام همام بارز بوده، عنوان کرد. ارتباط و تعاون با محرومان، صلۀ رحم را نیز در حوزه سیره و زندگی اجتماعی ایشان می‌توان معرفی کرد. بنابراین، امام رضا^(ع) بر شیوه زندگی تجمل‌پرستی و ظلم و ستم و تجمل‌گرایی خط بطلان می‌کشیدند و اندیشه‌های اسلامی پایداری برای جامعه ارائه داده‌اند.

در راستای این مقاله، پژوهش‌هایی است که به ذکر چند مورد می‌پردازیم: «سیره اخلاقی و تربیتی امام رضا^(ع) از منظر قرآن کریم» نوشته شهرزاد و مریم کتابی، «قرآن در بینش امام رضا^(ع)» نوشته مهدی سلطانی رنانی، «قرآن کریم در احادیث امام رضا^(ع)» نوشته علی سکندری، «سبک زندگی رضوی و ارتباطات میان فردی» نوشته مجید مبینی مقدس و «تأثیر تربیت اجتماعی امام رضا^(ع)» نوشته مولود اعظمیان و... این مقاله به عنوان عصاره‌ای کامل از تمام تحقیقات موجود در باب سیره فردی و اجتماعی امام رضا^(ع) می‌باشد. هرچند در زمینه گردآوری اطلاعات و مراجعه به کتابخانه‌ها، مشکلات و محدودیت‌هایی وجود داشته است.

با توجه به کارهای تحقیقی گسترده در زمینه زندگی امام رضا^(ع) هنوز می‌توان در زمینه بسیاری از ویژگی‌های فردی و یا اجتماعی ایشان به صورت مجزا پژوهش کرد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن بابویه (صدوق)، محمدبن علی. (۱۳۸۰). *عیون اخبار الرضا*. ترجمه علی‌اکبر غفاری. چ ۱. تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامیة.

- _____ . (۱۳۷۲). **عیون أخبار الرضا عليه السلام**. ترجمه حمیدرضا مستفید و علی غفاری. چ ۱. تهران: نشر صدوق.
- _____ . (بی تا). **عیون أخبار الرضا عليه السلام**. ترجمه آقا محمدتقی نجفی اصفهانی. چ ۱. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- _____ . (۱۴۱۳ق.). **من لا یحضره الفقیه**. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری. چ ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق.). **تحف العقول**. ترجمه احمد جنتی عطائی. چ ۱. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق.). **مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)**. چ ۱. قم: علامه.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق.). **معجم مقاییس اللغة**. تحقیق و تصحیح عبدالسلام محمد هارون. چ ۱. قم: مکتب الأعلام الإسلامی.
- ابن مالک اندلسی، محمد بن عبدالله. (۱۳۴۸ق.). **ألفیة ابن مالک فی النحو و الصرف**. قاهره: دارالکتب المصریة.
- الأصول الستة عشر**. (۱۴۲۳ق.). ط. دار الحدیث. تحقیق و تصحیح ضیاء الدین محمودی و نعمت الله جلیلی و مهدی غلامعلی. چ ۱. قم: مؤسسه دارالحدیث الثقافیة.
- امین، سید محسن و حجتی کرمانی، علی. (۱۳۷۶). **سیره معصومان**. تهران: سروش.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۱ق.). **حلیة الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار علیهم السلام**. چ ۱. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- _____ . (۱۳۷۴). **البرهان فی تفسیر القرآن**. تحقیق و تصحیح قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسه البعثة. چ ۱. قم: مؤسسه بعثه.
- بیگی، روح الله. (۱۳۸۹). **ارزش های اجتماعی در قرآن**. چ ۲. قم: اسوه.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). **نهج النصاحه**. چ ۴. تهران: دنیای دانش.

- حسینی قزوینی، محمد. (۱۴۱۴ق.). *در حریم طوسی*. قم: صادق.
- حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق.). *وسائل الشیعة*. تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت عليهم السلام. ج ۱. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- _____ . (۱۳۸۰). *آداب معاشرت از دیدگاه معصومان عليهم السلام (ترجمه وسائل الشیعة)*. ترجمه محمدعلی فارابی و یعسوب عباسی علی کمر. چ ۵. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). *مفردات الفاظ قرآن*. ترجمه غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.
- راوندی کاشانی، فضل الله بن علی. (۱۳۷۶). *النوادر (لراوندی)*. ترجمه و تحقیق احمد صادقی اردستانی. چ ۱. تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور.
- رسولزاده خوئی، اسماعیل. (۱۳۴۷). *مکارم الأخلاق در معاشرت و مصاحبت چهارده معصوم^(ع)*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- زمخشری، محمودبن عمر. (۱۹۷۹م.). *أساس البلاغة*. چ ۱. بیروت: دار صادر.
- سیاح، احمد. (۱۳۸۶). *زندگانی چهارده معصوم*. چ ۱. تهران: اسلام.
- شریف الرضی، محمدبن حسین. (۱۳۷۰). *نهج البلاغه*. ترجمه جعفر شهیدی. چ ۲. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. تهران: بنیاد فکری علامه.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰). *مکارم الأخلاق*. چ ۴. قم: الشریف الرضی.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۰۷ق.). *تهذیب الأحكام*. تحقیق و تصحیح حسن الموسوی الخراسان. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- فضل الله، محمدجواد. (۱۳۶۶). *تحلیلی از زندگانی امام رضا^(ع)*. ترجمه محمدصادق عارف. مشهد: آستان قدس رضوی.
- کلینی رازی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۳). *اصول کافی*. ترجمه صادق حسنزاده. تهران: دارالکتب الإسلامية.

- _____ . (۱۴۲۹ق.) . *اصول کافی* . ج ۱ . قم: دار الحدیث .
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق.) . *بحار الأنوار* . ترجمه موسی خسروی . تهران: دارالکتب
الإسلامیة .
- _____ . (۱۳۸۰) . *زندگانی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام* . ترجمه
جلد ۴۹ بحار الأنوار . ترجمه موسی خسروی . ج ۱ . تهران: اسلامیة .
- _____ . (۱۴۰۴ق.) . *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول* . تحقیق و
تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی . ج ۲ . تهران: دارالکتب الإسلامیة .
- محدثی، جواد. (۱۳۸۴) . *اخلاق معاشرت* . ج ۱۹ . قم: بوستان کتاب .
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۳) . *دوستی در قرآن و حدیث* . ج ۳ . قم: دارالحدیث .
- مظاهری، حسین. (۱۳۹۰) . *زندگانی چهارده معصوم (ع)* . ج ۱ . تهران: کیمیا اثر .
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴) . *تفسیر نمونه* . ج ۱ . تهران: دارالکتب الإسلامیة .